



## تاریخچه راه آهن جلفا- تبریز

(۲)

پیش از آنکه قرارداد ۱۹۰۷ تکمیل و مبادله گردد، دولت ایران بوسیله میرزا حسن خان پیرنیا (مشیر الملک) وزیر مختار ایران در روسیه که با مقام سفیر فوق العاده برای اعلام سلطنت محمدعلی شاه به دربار انگلستان رفته بود اطلاع حاصل کرد سرادوردگری وزیر خارجه انگلیس در تلگرام خود به سراسپرنینگ رایش وزیر مختار انگلیس در تهران نوشت: «مشیر الملک را قانع کرده ایم به اینکه قرارداد با روسیه ضروری برای ایران ندارد»<sup>۱</sup> قرارداد روس و انگلیس که بموجب آن ایران به یک منطقه بی طرف و دو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم گردید در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ مطابق ۲۱ رجب ۱۳۲۵ ق - ه (همزمان با روز قتل اتابک!) در پترزبورگ به امضاء ایزولسکی وزیر خارجه روسیه و نیکلسن سفیر انگلیس رسید. در این قرارداد سرزمین وسیعی که از قصر شیرین شروع میشد و پس از عبور از اصفهان و یزد و خواف تا محل تقاطع مرزی روس و افغانستان ادامه می یافت، بمساحت هفتصدونود هزار کیلومتر مربع، منطقه نفوذ روس شناخته شد و سرزمینی از مرز افغانستان بسوی بیرجند و کرمان تا بندرعباس، بمساحت دویست و پنجاه و پنج هزار کیلومتر مربع، در منطقه نفوذ انگلستان قرار گرفت. فعالیت سیاسی و اقتصادی هر یک از

\* آقای ابراهیم صفائی از شاعران نغمه گفتار و پژوهشگران صاحب نظر معاصر

دو رقیب در منطقه نفوذ دیگری ممنوع گردید و نیز طرفین آزادی عمل یکدیگر را در منطقه نفوذ اختصاصی خودتائید نمودند. مناطق ساحلی جنوب و منطقه نفت خیز در داخل منطقه بی طرف واقع شد. با انعقاد این قرارداد زمینه مداخله بی پروای دو دولت در ایران فراهم گردید. قتل اتابک و تحریکات بعضی از نمایندگان انقلابی مجلس بر ضد محمد علی شاه و بمباران مجلس و قیام اصفهان و گیلان و فتح تهران و خلع محمد علی شاه همه با قرارداد ۱۹۰۷ ارتباط داشت.

در هر حال این قرارداد اختلاف‌های دیرین و رقابت‌های سیاسی دو دولت را در ایران از میان برداشت و از همین زمان بود که دولت روس باری دیگر در صدد گرفتن امتیاز ایجاد خط آهن جلفا- تبریز برآمد. در محرم ۱۳۳۱ هـ ق پس از استعفای **نجفقلی خان صمصام‌السلطنه** بختیاری از ریاست وزراء از طرف **ناصرالملک نایب‌السلطنه**، محمد علیخان علاءالسلطنه ریاست وزراء انتخاب گردید و چون دولت ایران سخت در تنگنای بی‌پولی بود علاءالسلطنه قبول زمامداری را به تحصیل قرضه از دو دولت روس و انگلیس مشروط نمود. اما دولت انگلیس که اینک متحد روس بود بدون موافقت دولت روس به ایران وام نمیداد. دولت روس هم دادن وام را به امضاء قرارداد راه آهن جلفا- تبریز موکول می‌نمود. دولت علاءالسلطنه پس از چند هفته گفتگو با سفارت انگلیس با این شرط آغاز بکار کرد که از سوی دولت ماهی دو بیست هزار لیره علی‌الحساب بابت قرضه‌یی که تحصیل خواهد شد به دولت ایران داده شود و از همین زمان گفتگوی تنظیم قرارداد ایجاد خط آهن جلفا- تبریز صوفیان-ارومیه را با روس‌ها و خط آهن محمره-خورموسی-خرم‌آباد را با انگلیس‌ها آغاز نمود. در این هنگام **وثوق‌الدوله** وزیر امور خارجه بود. او دستور علاءالسلطنه رئیس‌الوزراء را کافی ندانست و چون احمدشاه صغیر و مجلس شورای ملی تعطیل بود، او از ناصرالملک قراگزلو نایب‌السلطنه که در پاریس می‌زیست کسب اجازه کرد. نایب‌السلطنه هم تنظیم و مبادله هر دو قرارداد را تصویب نمود. قرارداد راه آهن محمره-خورموسی امضا نشد چون سندیکای انگلیسی که این قرارداد را پیشنهاد کرده بود باین قرارداد دلبستگی زیاد نشان نداد و نمایندگان سندیکا برای امضاء قرارداد به ایران نیامدند. اما قرارداد راه آهن جلفا تبریز با بانک روس در ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق به امضا رسید. مدت امتیاز ۷۵ سال و تمام مخارج احداث خط آهن بر عهده صاحب امتیاز بود. دولت ایران پس از ۳۶ سال حق باز خرید خط مزبور را داشت. حق کشف و استخراج معادن دو سوی خط تا شعاع چهل کیلومتر نیز بصاحب امتیاز داده شد و دولت ایران در نصف بهره خالص درآمد راه آهن شریک می‌شد در ضمن این قرارداد حق ایجاد خطوط فرعی تا انتهای شمالی دریاچه رضاییه به

صاحب امتیاز داده شد و برای امتداد خط آهن از تبریز به تهران نیز شرایطی پیش‌بینی گردید .

بموجب این قرارداد خط آهن جلفا- تبریز و صوفیان- شرفخانه با سرعت ایجاد شد و در زمان جنگ اول جهانی برای نقل و انتقال نیرو و سازو برگ نظامی مورد استفاده روس‌ها قرار گرفت ولی همان جنگ جهانی به روس‌ها فرصت نداد که راه آهن را از تبریز به قزوین امتداد دهند. پس از انقلاب روسیه و استقرار رژیم جمهوری سوسیالیستی، دولت شوروی تمام مایملک و مطالبات و دعاوی دولت روسیه تزاری و کمپانی‌های روسی و سرمایه و املاک بانک استقراضی روس را با کمال سخاوت به ایران بخشید و بموجب همان قرارداد راه آهن جلفا- تبریز و صوفیان- شرفخانه نیز بملکیت دولت ایران درآمد .

۱ - ص ۴۶۸ ج ۱ رهبران مشروطه .



### ناپایداری دنیا

ندار ای خردمند! رنجه روان ،  
چو خوشی و تلخیش می‌گذرد ،  
گذشت آنچه دیدی ز هر گونه چیز ،  
زمانه چو سیل است و خاشاک ما ،  
بدانست هر کو نکو بنگریست ،  
گرفتم که بگذشت سالی دو یست ،  
چو بگذشت این جمله ناز و خرام ،  
سماطی بیفکند این تیره کشت ،  
ز آشفستگی‌های کار جهان .  
چرا ؟ خیره ! کس دل بغم بسپرد!  
گذشته شود هر چه بینیش نیز .  
برفتن از آنیم چالاک ما .  
که بیداری چشم و خوابش یکیست ،  
که بودت بدلخواه پیوسته زیست ،  
چنان دان که امروز زادی زمام .  
از این سو بگسترد وزان سونوشت!  
سید احمد ادیب پیشاوری - قرن چهاردهم